

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه ای از مباحث قبل

یک نکته‌ای را عرض کنم، بعضی از روایات اصلاً در مقام این نیستند که آیا این عنوان کفایی است یا عنوان عینی؟ ما باید برای اثبات عینی بودن یا کفایی بودن، روی صناعت پیش بیاوریم ببینیم که مقتضای صناعت و استدلال چه اقتضایی می‌کند، همه روایات را هم باید دید و بررسی کرد.

کلام آیت الله تبریزی

[1]

قبل از اینکه من این روایات دیگر را بخواهم اشاره کنم در کلمات برخی از فقها وقتی آمدند گفتند امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است، بعد یک تشبیهی هم کردند گفتند همان طوری که ارشاد جاهل در احکام واجب کفایی است، در کتاب ارشاد الطالب که ظاهراً مربوط به آیت الله تبریزی قدس سره است در جلد اول صفحه 99، ایشان بعد از اینکه این آیه 104 آل عمران را مطرح می‌کنند، اولاً همان استدلالی که قبلاً کردیم که از آیه استفاده می‌شود که گروهی موظف به این کارند را می‌فرمایند.

ایشان می‌فرمایند:

«(أقول): لا بأس بالالتزام بدلالة الكتاب المجيد على وجوب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والدعوة الى فعل الخير اي فعل المعروف وترك المنكر كفاية، قال عز من قائل: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. حيث أن ظاهر الأمر الوجوب والتعبير عن القائمين بالعمل بعدة من المسلمين لا يناسب الوجوب العيني، بل ظاهره الوجوب الكفائي، ويشمل الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والدعوة الى الخير صورة علم المدعوين بالحكم الشرعي وعدم قيامهم بالعمل، فلا تختص الآية بوجوب تبليغ الأحكام الشرعية إلى الجاهلين بها، بل تعم المسألة المعروفة بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

و الحاصل أن وجوب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و الدعوة الى الخير كوجوب تبليغ أحكام الشريعة الى الجاهلين بها كفاي، و يكون المقدار الواجب في الأمر و النهي هو المقدار المتعارف الواجب في تبليغ الأحكام، فلا يجب الفحص عن تعيين الفاسق و تارك الخير حتى يأمره بالمعروف و ينهاه عن المنكر بخصوصه.»

[2]

باز از آیه این را استفاده می‌کنند که اختصاص به جاهلین ندارد، حتی در جایی که مخاطبین عالم به احکام‌اند اما ترک می‌کنند اطلاق آیه می‌گوید باز در اینجا امر به معروف واجب است، و در آخر می‌فرماید و الحاصل اینکه وجوب امر به معروف و نهی از منکر کوجوب تبليغ احكام الشرعية إلى الجاهلين کفای.

بررسی کلام آیت الله تبریزی

ما در بحث ارشاد جاهل در باب احکام، می‌دانید ارشاد جاهل در موضوعات لزومی ندارد، لازم نیست به کسی بگوئیم اینجایی که نشستی نجس است، اینجایی که نماز می‌خوانی نجس است، اینجایی که نماز می‌خوانی غصب است، لزومی ندارد اینها را بگوئیم، ولی ارشاد جاهل در باب احکام لازم است، حالا آقایانی که گاهی اوقات می‌خواهند این بحث‌ها را دنبال کنند ما در همین کتاب البیع یک وقتی این بحث ارشاد جاهل را در ذهنم می‌آید در چند جلسه بحث کردیم.

در موضوعات که اصلاً ارشاد جاهل واجب نیست، در احکام ارشاد جاهل واجب است، حالا آیا این ارشاد جاهل وجوب عینی دارد؟ الآن آیا برای ما طلبه‌ها که احکام را فی الجملة بلد هستیم برای همه‌ی ما وجوب عینی دارد ارشاد جاهل؟ یا نه؟ اگر یکی از ما رفت در یک منطقه‌ای جاهلین را ارشاد کرد، این از ذمه‌ی دیگران ساقط می‌شود و کافی است.

می‌خواهیم بگوئیم امر به معروف و نهی از منکر هم همینطور است، اولاً این نکته را عرض کنیم بین ارشاد، ارشاد از مصادیق تبليغ است و امر به معروف و نهی از منکر فرق وجود دارد، در امر به معروف و نهی از منکر عنوان امر و نهی هست، این غیر از مسئله‌ی تبليغ و ارشاد است. گرچه چنین فرقی بین اینها وجود دارد ولی تنظیری است، می‌گوئیم در باب خود احکام ارشاد جاهل کفایی است، حالا در احکام، در موضوعات، امر به معروف و نهی از منکر هم ما استفاده می‌کنیم از آیه که عنوان کفایی را دارد، شما بگوئید که این در کلمات ایشان نیامده، ما می‌خواهیم بگوئیم نمی‌شود گفت اینجا اولیتی در کار است، بگوئیم اگر در

احکام تبلیغ احکام به نحو واجب کفایی است امر به معروف و نهی از منکر که یک درجه پائین‌تر از او هست، تبلیغ احکام یک مسئله‌ی بسیار مهم است و وظیفه‌ی اولیه است، حالا امر به معروف و نهی از منکر یک درجه پائین‌تر است، اگر او کفایی است این به طریق اولی کفایی است، این اولیتی در کار نیست.

بیان نکته‌ی اجتهادی

گاهی اوقات در اجتهاد و اینها باید انسان بگوید مذاق شریعت چیست؟ شارع در باب تبلیغ احکام فرمودند «قلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة»، یک گروهی احکام را یاد بگیرند و به مردم بگویند، فرموده همه باید احکام را یاد بگیرند. شارع در باب تبلیغ دین خودش، تبلیغ احکام، که این همه اهمیت برایش وجود دارد، می‌فرماید به نحو واجب کفایی است حالا اگر کسی نماز را ترک می‌کند، یک کسی دارد شراب می‌خورد، اینجا بگوید بر همه‌ی مسلمین واجب عینی است که این را نهی از منکر کنند؟ این که از بیان احکام خدا بالاتر نیست، حالا عرض کردم یا اولویت را بیاوریم یا اگر کسی در اولویت خدشه می‌کند بگوئیم شارعی که در باب احکام با این همه اهمیتش این مقدار را می‌گوید واجب کفایی است در امر به معروف و نهی از منکر هم باید همین مذاق و روش را داشته باشد. باز این تأیید و تکمله بود بر ادله گذشته بر وجوب کفایی.

شیخ طوسی اعلی الله مقامه از کسانی است که طرفدار وجوب عینی است، ایشان فرموده است که اولاً دلیل ما عموم قرآن است، ما آیه را بررسی کردیم این آیه 104 آل عمران را بررسی کردیم که ظهور روشنی در وجوب کفایی دارد و چطور ایشان فرموده عموم قرآن دلالت بر این دارد.

از روایت هدنه استفاده می‌شد که چه بسا حتی آدم بگوید در زمان غیبت این وجوب کفایی‌اش هم کنار می‌رود که من دیگر وارد آن بحث نشدم و چه بسا یک عده‌ای قائل‌اند همانطوری که اجرای حدود در زمان غیبت جایز نیست که البته نادر است

[3] که می‌گویند اجرای حدود در زمان غیبت منوط به اذن معصوم است بعضی‌هایشان امر به معروف را هم ملحق می‌کنند، می‌گویند امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور است، در زمان غیبت اگر آمدیم آن فی حال الهدنة را شامل همین زمان غیبت قرار دادیم، از همان روایتی که در جلسه‌ی گذشته خواندیم استفاده می‌کنند که این منوط به اذن معصوم است، حالا اگر ما اصل وجوب کفایی را قبول کردیم در زمان غیبت، واجب کفایی است و گفتیم در صورتی که حکومت اسلامی تشکیل شود، اصلاً از وظایف اولیه‌ی حکومت اسلامی این است که هسته‌های امر به معروف و نهی از منکر درست کند، اگر این هسته‌ها درست شد این از زمه‌ی دیگران ساقط می‌شود؟ نه، مگر اینکه ما احرار کنیم که اینها دارند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و الا به مجرد اینکه یک گروهی درست شده بگوئیم دیگران به عنوان واجب کفایی از زمه‌شان ساقط می‌شود، ساقط نمی‌شود.

(سؤال و پاسخ استاد): مثلاً اگر امروز در این کشور یک کسی آمد یک حرفی زد، یک سخنران یا مقاله‌نویسی بدعتی را مطرح کرد، آیا بر همه‌ی علما، مراجع و حوزویان واجب است در مقابل او حرف بزنند؟ یا اینکه اگر یک مرجع بزرگوار فرمود از زمه‌ی دیگران ساقط می‌شود.

بحث اینکه مردم باید بر مسئولین نظارت کنند، یک سری امور هست که اصلاً نهی‌اش به نحو جمعی است مثل مسائل مربوط به حاکم، شما اگر بخواهید با یک طاغوتی مبارزه کنید اگر من بروم بالای یک منبر بگویم این طاغوت، طاغوت است و باطل، این اصلاً محقق نمی‌شود! و لذا در زمان طاغوت، چون به اختلاف موضوع هم مختلف است، ما این را قبول داریم، من می‌گویم شما در موارد مختلف باید مختلف بگوئید یک آقای هست که نماز نمی‌خواند، اگر بخواهید بگوئید واجب عینی، باید تمام برادران، فامیلش، هم محلی‌هایش، شهری‌ها، همه به او امر کنند، چه بسا این خودش یک مقدار زدگی از این پیدا می‌کند، اما این کجا و مسئله‌ی ظلم حاکم کجا؟ در دوران طاغوت اصلاً نهی قوامش به این بود که همه فریاد بزنند، امام آن موقع هم می‌فرمودند اگر یکی دو نفر حرفی بزند نمی‌شود، باید همگان فریاد بزنند، چون نهی‌اش به آن محقق می‌شود.

شما حالا می‌خواهید همان چوبی را که حاکم ظالم و جائر را می‌خواهید برانید، یک آدمی که یک منکری انجام داده را هم به همان نحو برخورد کنید؟ اینکه بگوئید به اختلاف موارد مختلف است این را هم ما قبول داریم.

حالا یک منکراتی هست که منکرات سیاسی است، شما یک وقتی هست که یک زنی حجاب ندارد، یک امر شخصی هم هست، این یک نفر هم به او گفته خانم حجاب واجب است و حجابت را رعایت کن، من فتوا می‌دهم که از دیگران ساقط است، کس دیگری لازم نیست بگوید، یک کسی نمازش را ترک کرد، پدرش، برادرش، به او امری کرد، می‌گویم از دیگران ساقط است، اما همین کار بی حجابی اگر سیاسی شد، آنجا درست است و من قبول دارم که با یکی دو نفر فایده ندارد، موارد مختلف است، ما می‌گوئیم همه‌ی اینها را بیاورید در چارچوب فقه، نه از اهمیت امر به معروف می‌خواهیم کم کنیم و نه از آن طرف چیزی از جیب خودمان رویش بگذاریم! شما حاکم ظالم را، سیاسی بودن را، شخصی بودن را، اینها را نمی‌شود به یک نحو مطرح کرد، از آن طرف قضیه هم عرض کنم در همین تحریر الوسيله امام رضوان الله علیه فتوا دادند در موارد جزئی باید علم به تأثیر داشته باشیم، در امر به معروف و نهی از منکر، اما در مواردی که می‌خواهیم با یک حکومتی مقابله کنیم، امام فرمودند علما باید بگویند ولو علم به عدم تأثیر دارند، این اختلاف موارد مسئله را مختلف می‌کند، من می‌گویم شما بیایید همه را بررسی کنید در هر جا ببینید مقتضای صناعت چیست؟

باز روی این مسئله آقایان فکر کنند ما موارد را مختلف می‌دانیم، اهمیتش را نمی‌خواهیم کم کنیم ولی نیائیم یک چیزی بگوئیم که قابل عمل نباشد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] □ إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، ج 1، ص 99.

[2] □ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

[3] □ من یک رساله‌ای هم نوشتم راجع به اجرای حدود در زمان غیبت، اثبات کردم که شهرت فتواییه با این طرف است، متأخرین و قدما شهرت در میان‌شان در این است که حدود باید در زمان غیبت اجرا شود و نیازی به اذن معصوم علیه السلام ندارد.